

Genetic Research: From Ethical Criteria to European Court of Human Rights Jurisprudence

Amin Jafari¹, Zahra Parandak²

Abstract

Nowadays, the development of new technologies and sciences has had a great impact in human life. Genetic Science for instance, has significantly changed the medical world and provided better treatments. There is no doubt that genetics as a new and outstanding science offers helpful aids to humanities. The rising of numbers of genetic laboratories that offers medical and preventive services demonstrate the magnitude of this new arrival science. Having said that, it can be clearly seen the inevitable role of Genetic Science in recent medical development in treatment of some incurable diseases such as cancer diseases. Therefore, there is no exaggeration to say that a fundamental genetic change in a short time have created a new world for us.

However, the negative aspects of this science in human life should not be neglected. Although this development is positive for the human civilization, it has also brought some problems and challenges. This could be the ability of human to make its own organisms, which has provoked many religious and ethical concerns. For example, genetics enable us to produce its own human organism as clonage. This fact issued the ethical and religious concerns. In this context, legislators of different countries have created ethical roles and restrictions for geneticists to prevent these concerns. However, this restriction seems to be inadequate. So, how we could control the Genetic Science in a way that it can be useful for human life and also respect ethical values? However, the restrictions seems that it is not enough and the genetic concerns should be addressed with more restrictions. On the other hand, increased restrictions in terms of basic principles of human rights can also be problematic, itself. Study of some European court of human

1. Assistant Professor, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabatabaie' University, Tehran, Iran. (Corresponding author)

Email: amin.jafari@atu.ac.ir

2. MA in Private Law, Faculty of Law and Political Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

rights' decision insist on the fact that the member states should review their restrictive policies in term of genetics. These limits are mainly in the area of privacy and a fair trial and particularly article 6 and 8 of the European Convention on Human Rights.

This article will review all limitations of genetic research in European countries.

Keywords

Genetic Research, Medical Ethics, Human Rights, European Court of Human Rights, Genetic

Please cite this article as: Jafari A, Parandak Z. Genetic Research: From Ethical Criteria to European Court of Human Rights Jurisprudence. Iran J Med Law 2017; 11(40): 61-80.

تحقیقات ژنتیکی؛ از معیارهای اخلاقی تا رویه دیوان اروپایی حقوق بشر

امین جعفری^۱

زهرا پرندک^۲

چکیده

تردیدی نیست که ژنتیک به عنوانی علمی نوظهور و نوپا خدمات شایان و وافر به افراد بشر ارائه کرده است. تعداد روزافزون آزمایشگاه‌های ژنتیکی در همه جای دنیا و همچنین در کشور ما در زمینه پیشگیری و درمانی در زمانی که پیش از آن حتی سخنی از ژنتیک به میان نمی‌آمد و کسی این علم جدید را نمی‌شناخت، شاهدی بر این مدعی است. بنابراین گزاره نیست اگر بگوییم که ژنتیک تحولی بنیادین را در مدت زمانی اندک در دنیای نوین ما ایجاد کرده است. این تحول هرچند که برای تمدن بشری مثبت است، با این حال مشکلاتی و چالش‌هایی را نیز به همراه آورده است. به عنوان مثال ژنتیک، بشر را قادر به تولید موجود زنده‌ای شبیه خود می‌نماید. این مسأله دغدغه‌های مذهبی و اخلاقی را به دنبال داشته و دارد. از این رو قانونگذاران کشورهای مختلف در این جهت، چارچوب‌هایی را برای متخصصین ژنتیک مشخص نموده‌اند تا از برخی نگرانی‌ها بکاهند. با این وجود به نظر می‌رسد، محدودیت‌های ایجادشده حاضر کافی نبوده و این‌گونه احساس می‌شود که مشکلات ژنتیک باید با ایجاد محدودیت‌های بیشتری رفع گردد. از سوی دیگر، افزایش محدودیت‌ها از لحاظ اصول اولیه حقوق بشری نیز خود می‌تواند مشکل‌ساز باشد.

بررسی برخی آرای صادره از دیوان اروپایی حقوق بشر نشان‌دهنده این امر است که برخی محدودیت‌ها ضرورت ندارد و دولت‌ها باید در تصمیمات اجرایی روزمره خود بازنگری کنند. این محدودیت‌ها به طور عمده در حوزه حریم خصوصی افراد و دادرسی عادلانه و به ویژه در خصوص ماده ۶ و ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر وارد می‌شود.

۱. استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)

Email: amin.jafari@atu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

در این راستا، مقاله پیش رو تلاش می‌کند که همه این موارد سلبی و ایجابی محدودیت‌های ایجادشده توسط کشورها را با توجه به آرای دیوان اروپایی حقوق بشر مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

واژگان کلیدی

تحقیقات ژنتیکی، اخلاق پزشکی، حقوق بشر، دیوان اروپایی حقوق بشر

مقدمه

مسائل پزشکی و حقوقی ژنتیک به عنوان بخشی از زندگی روزمره جامعه ما تلقی می‌شود. ژنتیک که بخشی از علم وسیع پزشکی محسوب می‌گردد، امروزه از لحاظ علمی و عملی جایگاه لامتنازعی داشته و در واقع نتیجه آزمایشات آن به عنوان نتیجه قطعی قابل استفاده است. این مهم به خصوص برای موارد اثباتی بسیار کاربرد داشته و از کارکردهای آن در علم حقوق می‌توان به خاصیت اثباتی آن در حقوق خانواده در رابطه نسبیت و همچنین در آیین دادرسی کیفری اشاره نمود.

علی‌رغم قطعیت نتایج به دست آمده از ژنتیک، آزمایش‌ها و تحقیق‌های ژنتیکی در برخی حوزه‌ها چالش‌برانگیز بوده و هست. مسأله بیوتکنولوژی یکی از مواردی است که از ابتدای پیدایش این علم تا کنون مباحثی را ایجاد کرده است. در این خصوص حوزه‌هایی مانند شبیه‌سازی و سلول‌های بنیادین چالشی‌ترین مشکلات را به همراه داشته است. دغدغه‌های موجود در این حوزه تنها مربوط به متخصصان علم اخلاق و مذهب‌یون نمی‌گردد و حتی پزشکان، حقوقدانان، سیاستمداران و... را نیز درگیر خود نموده است.

به علت موارد گفته‌شده، اخلاق در حقوق پزشکی و به ویژه حقوق ژنتیک وارد شد تا نقش تنظیم‌گری ایفا کند (۱). اخلاق در قالب حقوقی به چارچوب‌دهی فعالیت‌های آزمایشگاهی و تحقیقاتی پزشکی می‌پردازد و در این خصوص دولت‌ها با قانونگذاری‌های مختلف سعی در قاعده‌مند کردن آن نموده‌اند. این چارچوب‌دهی را در میان مجموعه قوانین کشورها از قبیل قانون مدنی، بیمه، سلامت عمومی و... می‌توان مورد مشاهده قرار داد.

دولت‌ها در برخی مواقع در راستای قاعده‌مندی و اخلاقی کردن آزمایشات، تحقیقات و درمان پزشکی از طریق ژنتیک پا را فراتر می‌گذارند و تفسیرهای سخت‌گیرانه‌ای را با توجیه حمایت‌های قانونی اعمال می‌کنند. این تفسیرها در برخی مواقع با مبانی اساسی حقوق بشری در تضاد است و آزادی‌های فردی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. این خود باعث می‌شود نهادهای قضایی منطقه‌ای و بین‌المللی حامی حقوق بشر به تفسیر متعادل و متناسب تحدید آزمایش‌های ژنتیکی در چارچوب حمایت‌های قانونی حقوق پزشکی بپردازند. اخلاق پزشکی در جهان غرب از قدمت بیشتری برخوردار بوده و از این جهت دستورالعمل‌های متعددی در طول تاریخ و در

زمان حال مورد تنقیح و پیروی قرار گرفته است. از این جهت بررسی این مفهوم در دیوان اروپایی حقوق بشر خالی از لطف نمی‌باشد.

با این پیش‌فرض که ژنتیک خدمات فراوانی به بشر در عرصه‌های مختلف ارائه کرده است، سؤالی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که این علم تا چه حد می‌تواند و باید وارد فعالیت‌های پزشکی گردد و در این صورت چه محدودیت‌هایی بر آن بار می‌شود. به تبع آن در خصوص محدودیت‌های ایجادشده سؤال دیگری را می‌توان طرح نمود و آن اینست که تضمین این محدودیت‌های اعمال‌شده توسط دولت به چه صورت است و آیا استثنائاتی در این زمینه وجود دارد؟

در پاسخ به پرسش‌های فوق، پژوهش پیش رو ابتدا با این فرض خواهد بود که اخلاق و انعکاس آن در حقوق، محدودیت‌های را ایجاد کرده است، اما در عین حال در قسمت دوم بحث خواهیم دید که تضمیناتی توسط برخی نهادها برای پاسخ به پرسش دوم وجود دارد.

در این پژوهش تلاش شده که رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر به عنوان حامی آزادی‌های فردی در حوزه کشورهای اروپایی را به طور تطبیقی مورد بررسی قرار دهیم و مشخص نماییم چگونه دیوان هم در جهت حمایت اخلاقی‌مدار از مسائل پزشکی ژنتیک اقدام نموده است و هم‌زمان آزادی‌های پیش‌بینی‌شده در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را رعایت می‌کند. از این رو در دو قسمت به بررسی تعامل میان اخلاق و ژنتیک پرداخته شده است. نخست مسأله اخلاق در امور ژنتیکی را بررسی می‌کنیم، سپس رعایت حسن اجرای مبانی اخلاقی توسط کشورها را مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

اخلاق پزشکی، ژنتیک و حقوق بشر

اخلاق پزشکی که مسأله‌ای میان‌رشته‌ای بوده و از شاخه‌های نوین علم حقوق و پزشکی به شمار می‌رود، کارکرد اخلاقی کردن پزشکی در حوزه‌های نوین دارد؛ حوزه‌هایی که حقوق پزشکی به اندازه کافی به آن نپرداخته و به عنوان تنظیم‌کننده و مقررات‌گذار هنوز وارد نشده است. از موضوعات مهم در خصوص تازه‌های پزشکی که اخلاق را به چالش می‌کشد و همیشه نیازمند حمایت حقوقی و قانونگذاران است، مسأله ژنتیک است، زیرا ژنتیک علم پیچیده و در عین حال نامطمئنی است که بر مسائل اخلاقی تأثیر می‌گذارد. در واقع این شاخه جدید بیوتکنولوژی بود

که علم مطالعه بر ژنتیک برای دست‌یافتن به شیوه‌های نوین پزشکی را وارد کرد تا از این طریق به خدمت بشر در مسائل پزشکی درآید.

با این حال چنانکه گفتیم ژنتیک می‌تواند مشکلاتی را در راه تحقیق پزشکی بر مسائل اخلاقی و حقوقی ایجاد کند. این امر بیشتر برای هدف نهایی کاربرد ژنتیک مشکل‌ساز می‌شود، اگرچه تحقیقات در جهت تولید واکسن یا آزمایشات برای سالم‌بودن جنین (diagnostic prenatal) در اخلاق و پزشکی پذیرفته شده است، مسائلی مانند نمایه‌های ژنتیکی، کلوناز، اصلاح نژادی به ویژه محصولات کشاورزی که از لحاظ ژنتیکی تغییر کرده (OGM) و سلاح‌های بیولوژیک هنوز مشکلات خود را دارد.

در این خصوص، به بررسی مسائل اخلاقی ژنتیک نمی‌پردازیم، بلکه مواردی را که علم ژنتیک در آن داخل شده و علم حقوق را ملزم به ورود به آن کرده است را با مثال در قوانین دیگر کشورها مطالعه می‌کنیم، پس از آن ضرورت دارد که مصادیق تقابل ژنتیک، حقوق بشر و اخلاق پزشکی را نشان دهیم.

۱- اخلاق پزشکی و بیوتکنولوژی

در حقوق فرانسه اخلاق پزشکی توسط قوانین مختلف پیش‌بینی شده است. در واقع هدف از اخلاق پزشکی از یکسو تسهیل تحقیقات پزشکی و از سوی دیگر تحمیل نمودن مقررات ویژه در جهت تحدید استفاده از این علم غیر مطمئن است. در قانون ۲۹ ژوئیه سال ۱۹۹۴ که توسط قانون ۶ اوت ۲۰۰۴ اصلاح شد و در مجموعه قوانین بهداشت عمومی و نیز قانون مدنی آمده است، هر دو هدف تشویق برای تحقیقات و تحدید آن به چشم می‌خورد.

به طور کلی در قانون مدنی فرانسه و در کتاب نخست تحت عنوان «حمایت از تمامیت جسمانی انسان» از مواد ۱۶ تا ۹-۱۶ قانون اصلاحی (ششم اوت سال ۲۰۰۴) فصلی تحت عنوان «بررسی ویژگی‌های ژنتیکی یک فرد و تشخیص هویت فرد با رد ژنتیک» در ذیل مواد ۱۰-۱۶ تا ۱۳-۱۶ قانون مدنی پیش‌بینی شده است. در فصل نخست و ذیل مبحث دوم در خصوص حمایت از تمامیت جسمانی انسان این قانون پیش‌بینی کرده است که «قانون اولویت انسان را بر تمامیت جسمانی تضمین می‌کند و هر گونه خشونت موجب تهدید تمامیت جسمانی افراد گردد، ممنوع بوده و در این خصوص قانون حمایت از وجود انسانی را از لحظه تشکیل زندگی‌اش مورد حمایت قرار می‌دهد» (ماده ۱۶). همچنین در ماده بعدی این حق به طور

کامل‌تری مورد تشریح قانونگذار فرانسوی قرار گرفته است، به این صورت که «هر فرد حق دارد که تمامیت جسمانی‌اش مورد حمایت قانونی قرار گیرد. تمامیت جسمانی انسان غیر قابل تجاوز است. تمامیت جسمانی، عناصر تشکیل‌دهنده آن و آنچه منتج از جسم انسان است نمی‌تواند موضوع حقوق مالی قرار گیرد» (ماده ۱-۱۶). به نظر می‌رسد این ماده به صراحت تکلیف را مشخص نموده و حضور اخلاق در قانون مدنی اجازه این‌که بتوان جسم انسان و آنچه از جسم وی برداشته می‌شود، موضوع تملک قرار داد و آن را مورد خرید و فروش قرار داد را نمی‌دهد. قانونگذار فرانسوی حتی فراتر رفته و حمایت جسمانی فرد را در زمان پس از مرگش می‌پذیرد و فراتر از آن با اصلاحات ۱۹ دسامبر ۲۰۰۸، خاکستر سوزنده‌شده از جسد انسان نیز مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است و امر به حرمت همراه با تکریم داده است (ماده ۱-۱۶). در خصوص موضوع بحث، مفاهیم و نصوص این مواد تماماً دلالت بر محدودکردن آزمایشات و کاربردهای فعالیت‌های مربوط به امور و آزمایشات ژنتیکی می‌باشد، به طوری که حتی به کاربردهای آزمایشات ژنتیکی پس از مرگ افراد نیز محدودیت‌های اساسی وارد کرده، حتی در بسیاری از موارد اعتبار این آزمایش‌ها را نیز مخدوش می‌نماید که در ادامه پژوهش حاضر به مثال عملی آن خواهیم پرداخت. این در حالی است که اساساً با اصول حقوقی در خصوص علم قاضی در تعارض اساسی می‌باشد و در این خصوص ایرادات و تردیدهای اساسی بر آن وارد است. راجع به نسب و استفاده از ژنتیک نیز مواد ۱۹-۳۱۱ و ۲۰-۳۱۱ قانون مدنی فرانسه به آن پرداخته است که ذیلاً به بررسی جامع قانونگذاری فرانسه در این زمینه می‌پردازیم.

۱-۱- اخلاق در تحقیقات پزشکی و محدودیت‌ها: هرچند که اصل در تحقیقات پزشکی

آزادی تحقیق (Liberté De La Recherche) است، با این حال با توجه به این‌که جسم انسان مهم‌ترین مسأله در قانونگذاری در تمام دنیا می‌باشد، لذا محدودیت‌هایی در جهت اخلاقی کردن و احترام به اصول کلی و جهان‌شمول اخلاقی بشر وجود دارد. در این راستا قاعده‌مندی این تحقیقات با علم حقوق امکان‌پذیر می‌گردد. عمده مسائلی که اخلاق پزشکی با بیوتکنولوژی تلاقی پیدا می‌کند، مبحث شبیه‌ساز (Clonage)، تحقیقات بر سلول‌های بنیادین (Cellules Souches) و استفاده از جنین از مسائل بحث‌برانگیز در این زمینه است که با علم حقوق تنظیم و قاعده‌مند می‌شود.

۲-۱- مقررات بر سلول‌های بنیادین: مقررات پزشکی تحقیقات بر سلول‌های بنیادین بسیار قاعده‌مند و حتی می‌توان گفت سخت‌گیرانه است. در فرانسه به عنوان مثال، قانون اخلاق پزشکی مورخ ۲۹ ژوئیه ۱۹۹۴، هر گونه تحقیق بر جنین را تنها زمانی که برای مطالعات با اهداف پزشکی باشد و به جنین آسیب نرساند، مجاز می‌داند (۲)، زیرا گرچه مطالعات بر تحقیقات سلول‌های بنیادین در سال‌های نخستین به عنوان نقطه عطفی در علم ژنتیک به شمار می‌رفت، احساس خطر در خصوص استفاده خطرناکی که ممکن بود از این تحقیقات گردد، باعث شد که بعدها در این خصوص تمهیداتی اندیشیده شود که در نتیجه آن محدودیت‌هایی در این خصوص وضع گردید. با این حال قانون ششم اوت ۲۰۰۴ که در ماده L 2151-5 مجموعه قوانین بهداشت عمومی فرانسه پیش‌بینی شده بود، به مدت ۵ سال اجازه ادامه تحقیقات ژنتیکی را برای مقاصد درمانی داد. کشور فرانسه در این خصوص پیش‌تر رفت و برای تحقیقات ژنتیکی و مقاصد درمانی حتی پذیرفت که وفق بند سوم از ماده فوق‌الذکر مجموعه قوانین بهداشت عمومی، تحت شرایطی سلول‌های جنینی و جنین بتوانند خود موضوع تحقیق قرا گرفته و فراتر از آن بتوان آن‌ها را برای این مقاصد تخریب کرد.

جنین، حداقل به عنوان انسانی بالقوه که قابلیت و توانایی تبدیل به یک انسان کامل را دارد، شایسته تکریم و احترام و دارای حقوقی از جمله «حق حیات» و «حق سلامت» است. حمایت از حقوق جنین، منحصر به حمایت از حق حیات از طریق ممنوعیت سقط جنین و یا سایر اعمالی که منجر به سلب حیات از آن می‌شود، نیست، بلکه حمایت از حق سلامت جنین را نیز شامل می‌شود (۳)، اما به همین جهت ذکر این نکته اهمیت دارد که شرایط برای این قبیل تحقیقات بسیار سخت‌گیرانه است و شرط معیارهای ماهوی و به دنبال آن یک روند قیومیت (Procédure De Tutelle) در این زمینه وجود دارد. از یک طرف این‌گونه تحقیقات باید منجر به پیشرفت‌های درمانی بزرگ گردد و در عین حال روش‌های جایگزینی هم وجود نداشته باشد. از طرف دیگر وفق ماده L 1418-1 مجموعه قوانین بهداشت عمومی فرانسه مجوز آژانس زیست پزشکی (Agence De La Biomédecine) که مقام اداری ناظر برای این‌گونه تحقیقات است، اخذ گردد.

در این خصوص ماده ۵-۲۱۵۱ L مجموعه قوانین بهداشت عمومی اصلاحی ۶ اوت ۲۰۱۳ مقرر می‌دارد که: «هیچ گونه تحقیق بر جنین انسانی یا سلول‌های بنیادین نمی‌تواند بدون اجازه آژانس زیست پزشکی صورت گیرد. پروتکل تحقیق بر جنین انسان یا سلول‌های بنیادین جنینی زمانی مجاز است که:

- ارتباط علمی بر تحقیقی که قرار است صورت گیرد، اثبات شود؛
- تحقیق بنیادین یا کاربردی باید در راستای یک هدف پزشکی باشد؛
- از لحاظ پزشکی زمانی بدون اقدام بر جنین انسانی نتوان تحقیق را پیش برد؛
- پروژه و تحقیقات با رعایت اصول اخلاقی مرتبط با پژوهش‌های جنینی و سلول بنیادین صورت گیرد.»

برای رعایت موارد فوق‌الذکر آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون به ویژه ۱۱ فوریه ۲۰۱۵ به دقت نقش آژانس را در جهت صدور مجوز برای تحقیقات پزشکی پیش‌بینی می‌کند که نتیجتاً محدودیت‌های جدی را برای تحقیقات ژنتیکی بر روی جنین ایجاد کرده است.

۲-۱- مقررات ناظر بر شبیه‌سازی: نفس اقدامات ناظر بر شبیه‌سازی هنوز نه تنها برای جوامع سنتی، بلکه برای جوامع صنعتی نیز بحث‌برانگیز و تا حدودی رعب‌آور است. این در حالی است که هنوز هیچ گونه موفقیتی در خصوص شبیه‌سازی انسان صورت نگرفته است. نخستین عکس‌العمل‌ها در برابر شبیه‌سازی در سال ۱۹۹۶ روی داد که در آن سال اولین حیوان شبیه‌سازی شده ایجاد شد. عکس‌العمل جهانی در این خصوص واکنشی اخلاق‌گرایانه و تا حدودی حتی می‌توان گفت مذمومانه بود. کشور فرانسه به عنوان مثال در این زمینه از جمله کشورهایی است که در مجموعه قانون مدنی (بند سوم از ماده ۴-۱۶) و در مجموعه قوانین بهداشت عمومی در ذیل ماده ۱-۲۱۵۱ L «هر گونه عمل برای متولد کردن نوزادی که از لحاظ ژنتیک با شخص زنده یا متوفایی همسان باشد» را منع کرده است.

علاوه بر آن ماده ۲-۲۱۴ از مجموعه قوانین کیفری فرانسه اقدام به شبیه‌سازی با تعریف پیش‌گفته را جزء جنایت نوع بشر دانسته و مجازات آن را سی سال حبس و هفتاد و پنج هزار یورو جریمه نقدی تعیین کرده است، حتی مقررات کیفری برای شبیه‌سازی برای مقاصد درمانی از جنین نیز پا بر جاست و به عنوان جنحه مجازات هفت سال زندان و ده هزار یورو جریمه نقدی را در جهت حمایت از جنین به دنبال دارد (ماده ۱۸-۵۱۱ قانون کیفری فرانسه).

تفاوت این دو جرم‌انگاری تفاوت نگرش اخلاقی و مذهبی به جنین و انسان است. در نخستین عنوانی که جرم‌انگاری گردید که جنایت علیه نوع بشر به شمار می‌رود، انسانی کامل ساخته و جایگزین می‌شود در حالی که در جرم‌انگاری دوم، جنین برای هدف آموزشی و پژوهشی ساخته می‌شود و شبیه‌سازی تا تولد پیش نمی‌رود و متوقف می‌شود (۴). این در حالی است که اعلامیه سازمان ملل متحد در تاریخ ۸ مارس ۲۰۰۵، کشورهای عضو را از هر نوع شبیه‌سازی برای هر هدفی که باشد، منع کرده و دولت‌ها را تشویق به جرم‌انگاری شدید می‌نماید. در عین حال جرم‌انگاری جنحه‌ای فرانسه برای شبیه‌سازی مقاصد پژوهشی و درمانی با اعلامیه سازمان ملل متحد به نظر هماهنگ نیست.

در حالی که می‌دانیم فناوری شبیه‌سازی به طور نسبی در اختیار دولت‌ها قرار گرفته است. با این حال پیشرفت‌های اخیر می‌تواند محدودیت‌های قانونگذاری دولت‌ها را تسریع بخشد و پاسخی متناسب برای والدینی که می‌خواهند دسترسی به فناوری تغییرات ژنتیکی داشته باشند، می‌دهد. این به این معناست که تولیدات فناورانه در زمینه پیشرفت‌های ژنتیکی و محدودیت‌هایی که دولت پیش رو خواهد داشت، باعث ایجاد دعاوی علیه دولت‌ها خواهد گردید (۵).

در شبیه‌سازی از منظر حقوقی چالش‌های اساسی نیز وجود دارد که متأسفانه قانونگذار ما تا به حال نسبت بدان‌ها پاسخ قطعی و کاملی ارائه ننموده است. متأسفانه حتی در صورتی که فرضاً اجازه بر شبیه‌سازی نیز صادر گردد، مواردی از قبیل اختلاف در مالکیت کودک شبیه‌سازی شده و مسأله توارث آن، اختلاف در تابعیت آن و... وجود داشته و پاسخ قطعی برای آن‌ها مطرح نگردیده است.

در خصوص قواعد ناظر بر شبیه‌سازی در کشور ایران لازم به توضیح است که از آنجایی که این امر یک موضوع نوظهور در علم پزشکی می‌باشد، متأسفانه قانونگذار ایران تاکنون مبادرت به وضع قوانین تعیین‌کننده در این خصوص ننموده است. نبود موضع فقهی - قانونی در کشور نسبت به شبیه‌سازی انسانی یک خلأ جدی در کشور محسوب می‌شود (۶).

۲- مصادیق و مسائل مبتلا به ژنتیکی

استفاده از ژنتیک در برخی جهات در عین سودمندی، دردسرافرین نیز شده است که در این خصوص می‌توان به دو مورد در دو حوزه متفاوت از علم حقوق اشاره نمود: نخست به موردی در حقوق آیین دادرسی کیفری، سپس به موردی در حقوق خصوصی می‌پردازیم.

۱-۲- ژنتیک به عنوان ادله اثبات دعوی: امروزه رد ژنتیکی به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی به کار می‌رود. در کشور کانادا نیز این امر پذیرفته شده است که از طریق دی.ان.ای بتوان به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی استفاده نمود (۷). همچنین در کشور فرانسه این روش پیچیده در آیین دادرسی کیفری این کشور شناخته شده است (۸).

در فرانسه ارجاع به ژنتیک برای ادله اثبات دعوی شرایط ویژه‌ای دارد. به عنوان مثال وفق بند نخست ماده ۵۵-۱ قانون آیین دادرسی کیفری بازپرس این اجازه را دارد که حتی در مرحله بازجویی و بازپرسی، سریعاً به تکنسین‌های ژنتیکی در جهت تفسیر رد ژنتیکی که توسط پلیس قضایی به دست آمده است، رجوع نماید. در مورد جرم مشهود نیز، با توجه به ضرورت تحقیقات مقدماتی، پلیس قضایی می‌تواند خود شخصاً یا نماینده وی، در جهت برداشت بافت لازم برای آزمایش تکنیکی و علمی تطبیق با آمارها و علائم به دست‌آمده در صحنه جرم، اقدام نماید. برداشت بافت، از هر فردی که ظن حضور وی در ارتکاب جرم رود یا از هر فردی که دلیل مؤثر و قوی نسبت به وی موجود است که در زمان ارتکاب جرم به نحوی از انحاء در صحنه بوده یا در ارتکاب آن دست داشته و یا این‌که قصد شروع به اجرای آن جرم را داشته است، صورت خواهد گرفت (۹).

به طور کلی قانونگذار در امور کیفری، میان ادله سلسه مراتبی ترسیم ننموده است و شیوه‌های علمی به ویژه روش‌های ژنتیکی از لحاظ اقناع‌آوری دارای جایگاه ویژه‌ای هستند، چراکه این شیوه‌ها دستیابی به حقیقت و کاهش اشتباهات قضایی را تا حد بسیار زیادی تضمین می‌کند. مراجعه به آمار و ارقام در سیستم کیفری نشان می‌دهد که بسیاری از محکومان به مجازات اعدام یا حبس ابد، با توسل به شیوه‌های علمی و آزمایشات زیستی و ژنتیکی تبرئه شدند (۱۰).

در ایران دلیل «دی.ان.ای» همچون کشورهای نظیر فرانسه مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، اگرچه اقداماتی مانند ایجاد بخش «دی.ان.ای» در پزشکی قانونی در سال ۱۳۷۴ صورت گرفته است. این اقدام بسیار درخور توجه است و استفاده از این قبیل آزمایشات به علت درصد اطمینان بالایی که دارند، سبب ایجاد اقناع وجدانی برای قضات گردد و برای ایشان علم یقینی ایجاد کنند.

۲-۲- آزمایش‌های ژنتیکی: در آزمایش‌های ژنتیکی مسائلی مانند تشخیص بیماری‌های ژنتیک، نسب و اطلاعات ژنتیکی خانواده، بیمه و... مطرح می‌شود. شاید بتوان گفت آزمایش‌های ژنتیک از مهم‌ترین و ملموس‌ترین بخش علم ژنتیک است که توسط مردم و جامعه به طور ملموس‌تری درک شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد. امروزه در کشور فرانسه، حرفه‌ای به نام مشاور ژنتیک (Conseiller En Génétique) توسط قانون ۹ اوت ۲۰۰۴ (مواد ۱-۱۱۳۲ L تا ۷-۱۱۳۲ L مجموعه قوانین بهداشت عمومی) پایه‌گذاری شده است.

این حرفه برای مشاوره‌دادن در امور ژنتیک به خانواده‌هایی است که مقرر شده که برای مقاصد پزشکی تحت آزمایش ژنتیکی قرار گیرند. در این خصوص پیش‌بینی شده که کلکسیون‌های نمونه‌های بیولوژیک انسانی برای مقاصد پژوهش ژنتیکی در اختیار مشاوران و دیگر مراجع ذی‌صلاح وفق مواد ۳-۱۲۴۳ L به بعد مجموعه قوانین بهداشت عمومی فرانسه قرار گیرد.

دسترسی به اطلاعات ژنتیکی و این مسأله که افراد در چه مسائل ژنتیکی ضعیف هستند و این‌که با توجه به مدل ژنتیکی آن‌ها احتمال بروز چه بیماری‌هایی در آینده برای افراد وجود دارد، می‌تواند خود منشأ تبعیضات عملی در مواردی مانند کار یا بیمه قرار گیرد، البته لازم به ذکر است که قانونگذاران از طریق وضع مقررات حمایتی تا بخشی از این تبعیض ژنتیکی جلوگیری کرده که در این راستا می‌توان به ماده ۱-۴ از قانون ۴ مارس ۲۰۰۲ اشاره نمود که راجع به حقوق بیماران این اصل را مقرر می‌نماید که «هیچ فردی نباید موضوع تبعیض به علت ویژگی ژنتیکی‌اش قرار گیرد.»

۳- اطلاعات ژنتیکی خانوادگی

اطلاعات ژنتیکی که توسط آزمایش‌های ژنتیک صورت می‌گیرد، می‌تواند نشان‌دهنده غیر طبیعی بودن ژن‌های فرد بر روی یک مورد خاص بوده و یا نشان‌دهنده احتمال بالای بروز نوع خاصی از بیماری‌ها در آن فرد باشد. در این صورت سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا فرد آزمایش‌کننده و در نهایت پزشکی که این اطلاعات مستخرج از این آزمایشات ژنتیکی را در اختیار دارد، می‌تواند و آیا ضرورت دارد که این اطلاعات را به منظور پیشگیری و اصلاح در اختیار نزدیکان فرد بیمار قرار دهد؟ این امر یک مسأله اخلاقی و به ویژه اخلاق حرفه‌ای است. پزشک هم‌زمان که وظیفه درمان و نیز ارائه اطلاعات لازم در زمینه مسائل پزشکی را دارد، وظیفه رعایت اسرار پزشکی را نیز می‌بایست مراعات نماید و اینجاست که تعارضی در حوزه

وظایف پزشک حاصل می‌گردد. آیا باید به خانواده فرد اطلاع داد و فراتر از آن دولت را نیز می‌توان در جریان امر قرار داد و آیا شایسته است که دولت در این‌گونه مسائل در جریان امور قرار گیرد و یا این‌که پزشک باید سکوت کند؟ مسأله زمانی پیچیده می‌شود که مورد ژنتیکی را به آن اضافه کنیم؛ اگر این مسأله خود باعث بروز اختلافات خانوادگی گردد تکلیف چیست؟ در این خصوص در صورت انتساب نسب به دیگری با اثبات ژنتیکی چه باید کرد؟

در کشور فرانسه این مسأله با قانون ۶ اوت ۲۰۰۴ تا حدودی بر طرف شده است. وفق ماده ۱-۲-۱۱۳۱ L اصلاحی ۷ ژوئیه ۲۰۱۱، پزشک در ابتدا فرد بیمار را از این‌که بیماری خود را از اعضای خانواده کتمان کند، آگاه می‌سازد. پزشک این آگاهی را در یک مدرک کتبی اعلام می‌کند و نحوه احتمالی اطلاع‌رسانی به اعضای خانواده را نیز گوشزد می‌نماید. اگر فرد ترجیح دهد که خود اقدام به اطلاع‌رسانی نکند، این امر را می‌تواند به پزشک خود تحت شرایط مقرر در قانون محول کند. در صورتی که بیمار نخواهد اطلاعات منتقل شود، پزشک آن را در مدرکی با امضا خود درج می‌نماید.

شرایط انتقال اطلاعات به اعضای خانواده در کشور فرانسه بسیار پیچیده و تابع شرایط خاص است. با این حال در برخی مواقع دولت‌ها نمی‌توانند به طور دقیق و کامل این شرایط را در جهت تحقق رعایت حقوق بشر تضمین کنند. در اینجاست که دیوان اروپایی حقوق بشر وارد می‌شود تا بتواند حامی این افراد باشد.

رویه دیوان اروپایی حقوق بشر به عنوان ضمانت اجرای قوی حقوق بشر در برابر تحقیقات ژنتیکی

استفاده از تکنولوژی ژنتیک، هرچند بسیار مفید، مشکلاتی را نیز با خود به همراه داشته و در عرصه حقوق بشری در برخی مواقع با چالش مواجه بوده است. در این زمینه کشورهای صنعتی اروپایی چالش‌ها و درگیری‌های حقوقی را بیشتر درک نموده‌اند و چه بسا توسط دیوان اروپایی حقوق بشر به دلیل عدم رعایت مقرره‌های کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مورد سرزنش قرار گرفته‌اند (۱۱). در حوزه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۶ کنوانسیون راجع به دادرسی علنی و منصفانه بدین شرح که «برای تعیین حقوق و تکالیف یک فرد یا رسیدگی به هر اتهامی که علیه او مطرح شده است، باید دادرسی علنی و منصفانه توسط یک دادگاه صالح بی‌طرف و

مستقل در مدت معقول انجام شود. نتیجه دادرسی باید به صورت علنی اعلام شود، اما امکان غیر علنی برگزارشدن تمام یا قسمتی از جریان محاکمه نسبت به مردم و مطبوعات وجود دارد. حفظ نظم عمومی، اخلاق یا امنیت در یک جامعه دموکراتیک، منافع صغار، حفظ جان طرفین دادرسی و همچنین نظر دادگاه در اوضاع و احوالی که علنی بودن محاکمه ممکن است به مصالح عدالت لطمه وارد آورد، مواردی هستند که غیر علنی بودن محاکمه را توجیه می‌کنند. ماده ۸ در خصوص احترام به حریم خصوصی (خلوت، علقه خانوادگی، مسکن و مکاتبات خصوصی) مقرر می‌نماید: «هر کس حق دارد که به خلوت، علقه خانوادگی، مسکن و مکاتبات خصوصی او احترام گذاشته شود. در اجرای این حق، هیچ نوع مداخله‌ای از سوی یک مرجع دولتی صورت نمی‌پذیرد، مگر مطابق قانون و نیاز یک جامعه دموکراتیک در جهت مصالح امنیت ملی، امنیت عمومی یا رفاه اقتصادی کشور یا در جهت پیشگیری از بی‌نظمی یا بروز جرم یا در حمایت از سلامت یا اخلاق یا برای حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران.» بیش از سایر مواد این کنوانسیون مسائل مبتلا به حقوق ژنتیکی را مورد توجه قرار داده است. به دیگر سخن، دادرسی علنی و منصفانه و احترام به حریم خصوصی افراد از عمده مواردی است که بیشتر مورد توجه دیوان اروپایی حقوق بشر به عنوان تضمین‌کننده اخلاق در روابط پزشکی و ژنتیکی قرار گرفته است.

در این بخش با تمرکز به ماده ۸ کنوانسیون، تحقیقات ژنتیکی و حقوق پزشکی را در دو قسمت حریم خصوصی و آزمایشات پزشکی و حریم خصوصی و تحقیقات پس از مرگ مورد مطالعه قرار خواهیم داد. در قسمت نخست خواهیم دید که دیوان، کشور ایتالیا را به سبب احترام‌نگذاشتن به حریم خصوصی افراد راجع به آزمایشات ژنتیکی مورد سرزنش قرار می‌دهد و در قسمت دوم کشور فرانسه به علت حمایت بی‌حد و حصر از اطلاعات ژنتیکی بر مبنای احترام به حریم خصوصی تخطئه می‌گردد.

۱- حریم خصوصی و آزمایشات ژنتیکی

آزمایشات پزشکی از طریق بررسی‌های ژنتیکی از عمده موضوعات چالشی مرتبط با ماده ۸ دیوان اروپایی حقوق بشر است. دیوان اروپایی در زمینه آزادی دولت‌های عضو برای تحقیقات ژنتیکی محدودیت‌هایی را در آرا خود وضع کرده است. در رأی پاون علیه ایتالیا (Pavan c. Italie) در تاریخ ۲۸ اوت ۲۰۱۲، دیوان موضع‌گیری صریحی در این زمینه ابراز می‌کند.

در این رأی زوجی ایتالیایی در سال ۲۰۰۶ نخستین فرزند خود را که مبتلا به بیماری ژنتیکی است، به دنیا می‌آورند. زوجه در دومین بارداری به علت آزمایشات پزشکی که نشان می‌داد بیماری مشابه در جنین وجود دارد، اقدام به سقط آن نمود. از این تاریخ به بعد زوج ایتالیایی تصمیم گرفتند که از طریق لقاح مصنوعی (Econdation In Vitro) و با کمک آزمایشات و درمان‌های ژنتیکی فرزندی سالم به دنیا آورند، اما حقوق داخلی ایتالیا این اجازه را به زوجین نمی‌داد و در چندین مرتبه مانع از استفاده آزمایش‌های ژنتیکی برای داشتن فرزندی سالم گردید. این خود باعث تشکیل پرونده علیه کشور ایتالیا در برابر دیوان اروپایی حقوق بشر گردید.

در این رأی برای دیوان اروپایی حقوق بشر ایجاد مانع و اجازه‌ندادن استفاده از آزمایشات ژنتیکی برای داشتن فرزند سالم خود مسأله‌ای غیر اخلاقی محسوب شد و دیوان نتیجه‌گیری نمود که اجازه‌ندادن برای دسترسی به آزمایشات ژنتیکی خود نشان‌دهنده نقض حقوق بشر توسط نظام حقوقی کشور ایتالیا است. دیوان عدم تناسب در حقوق ایتالیا را مورد سرزنش قرار داد. رأی دیوان بر این مبنا استوار بود که حقوق ایتالیا حقوق خانوادگی و خصوصی زوج ایتالیایی به منظور داشتن یک فرزند سالم را مخدوش نموده و در آن مداخله کرده است. در عین حال باید توجه نمود که برای دیوان پذیرش آزادی‌های فردی و خانوادگی با توجه به تحقیقات ژنتیکی می‌تواند فراتر از آن چه در رأی باشد، پاون علیه ایتالیا و نظام تقنینی یک کشور را بیشتر به چالش بکشد.

۲- حریم خصوصی و تحقیقات پس از مرگ

آزمایشات ژنتیکی برای به دست آوردن اطلاعات ژنتیکی مرتبط با نسب انسان که طبق قواعد حقوقی از جمله مهم‌ترین مسائل مربوط به حریم خصوصی هر فرد می‌باشد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و ماده ۸ کنوانسیون تمرکز خاصی بر آن نموده است. ماده فوق‌الذکر در خصوص مسأله تحقیقات ژنتیکی پس از مرگ (L'expertise Génétique Post Mortem) محدودیت‌های اساسی را ایجاد نموده و باعث مشکلاتی گردیده است. این به دلیل تشخیص در اختیار قراردادن حریم خصوصی فرد متوفی می‌باشد، از آن جهت که پس از مرگ امکان اخذ اجازه جهت ارائه اطلاعاتی که در حوزه حریم خصوصی فرد می‌باشد، وجود ندارد و این راه حل قانونگذار فرانسه در این مورد مانعی اساسی محسوب می‌گردد. همچنین در قانون این امکان

پیش‌بینی نگردیده است که اشخاص نزدیک و خانواده فرد متوفی اجازه دسترسی به اطلاعات ژنتیکی فرد متوفی را داشته باشند، چراکه این اطلاعات داخل در حریم خصوصی اشخاص بوده و ذکر و استفاده از آنها صرفاً با اتکا بر اجازه و اذن خود شخص قابل انجام خواهد بود. به عنوان مثال می‌توان به شرح پرونده پاسکو علیه کشور فرانسه (Pascaud c/France) پرداخت که در تاریخ ۱۶ ژوئن ۲۰۱۱ رأی دیوان راجع به آن صادر شده است. در واقع رژیم حقوقی فرانسه در خصوص تحقیقات پس از مرگ به این صورت است که با توجه به قانون ۶ اوت ۲۰۰۴ در خصوص اخلاق زیستی، بند ۲ ماده ۱۱-۱۶ قانون مدنی تحقیق ژنتیکی پس از مرگ را زمانی مجاز می‌داند که پیش از مرگ و در زمان حیات خود فرد به این اقدام رضایت داشته باشد. همچنین اگر در زمان حیات، فرد عدم رضایت خود را مبنی بر تشخیص هویت ژنتیکی اعلام کرده باشد، امکان تشخیص هویت وجود نخواهد داشت. این مسأله مشکلات زیادی را بار نمود و حتی در برخی مواقع تشخیص رابطه نسبی را نیز دچار خدشه کرد (۱۲).

در پرونده پاسکو علیه کشور فرانسه، آقای پاسکو که با ناپدری و مادرش زندگی می‌کرده است، تصمیم می‌گیرد که پس از طلاق مادرش از ناپدری و نهایتاً پس از مرگ وی به سمت پدر بیولوژیک خود که پیش از این هیچ‌گاه ادعای ابوت بر آقای پاسکو ننموده بود، مراجعه کند. پدر بیولوژیک در یک صحنه دچار معلولیت مغزی می‌شود و در عین حال اختلاف توارث میان ناپدری آقای پاسکو با وی بر ملکی به ارزش یک و شانزده میلیون یورو ایجاد می‌شود. این در حالی است که ناپدری وی، ارتباط نسبی آقای پاسکو و پدر ژنتیکی را زیر سؤال می‌برد. متعاقب این امر از کارشناس ژنتیکی درخواست کمک می‌شود. پس از هماهنگ‌نمودن چندین جلسه آزمایش ژنتیکی و عدم حضور پدر بیولوژیک که به عدم تمایل وی برای تست‌دادن تعبیر می‌گردد، نهایتاً او به آزمایشگاه می‌آید و نتیجه آزمایش با ۹۹,۹۹۹ درصد اثبات می‌کند که وی پدر آقای پاسکو است. پدر بیولوژیک خود کتباً اعلام می‌کند که آقای پاسکو فرزند اوست، اما ناپدری در این خصوص اعتراض می‌کند و مقرر می‌گردد که دوباره آزمایش ژنتیکی صورت گیرد. در این میان پدر بیولوژیک فوت می‌کند. به رغم دلیل قوی بیولوژیک، دادگاه‌های کشور فرانسه با توجه به این‌که پدر بیولوژیک فوت کرده است، اجازه آزمایش ژنتیکی دیگر را نمی‌دهند. همچنین استدلال می‌کنند که تست پیشین نیز با توجه به آنکه با اجبار و بدون

رضایت پدر بیولوژیکی صورت گرفته بود، بی‌ارزش است. با توجه به این استدلال‌ها دیوان عالی کشور فرانسه نیز درخواست آقای پاسکو را رد می‌کند.

با توجه به مطالب گفته‌شده آقای پاسکو ناگزیر به درخواست در برابر دیوان اروپایی حقوق بشر می‌گردد. وی استدلال می‌کند که یافتن رابطه نسبی با پدر بیولوژیکی از مصادیق حریم خصوصی ماده هشت است و باید به آن احترام گذاشته شود. این امر پیش از این نیز در رأی در تاریخ ۱۳ ژوئیه ۲۰۰۶ مورد تأیید دیوان قرار گرفته بود (Aggi Contre Suisse J). در رأی پاسکو نیز دیوان همین سیاق را پیش می‌گیرد و کشور فرانسه را به علت عدم رعایت حریم خصوصی محکوم می‌کند، زیرا هرچند ماده ۱۱-۱۶ قانون مدنی فرانسه برای حمایت از حریم خصوصی وضع شده است، با این حال برای دیوان، جستجو برای یافتن رابطه نسبی نیز خود حریم خصوصی است و باید به آن احترام گذاشت. به تعبیر دیوان، احترام به حریم خصوصی برای یافتن نسب یکی از بالاترین ارزش‌ها را دارد. دیوان استدلال می‌کند که حفظ حریم شخصی ماده ۱۱-۱۶ قانون مدنی متناسب نیست و به متقاضی امکان جستجو برای یافتن نسبت پدری و فرزندی را نمی‌دهد و بدین طریق کشور فرانسه محکوم می‌گردد (۱۳).

این رأی و آرای شبهه به این، به خوبی نشان می‌دهد که استفاده از ژنتیک و نتایج آزمایشات ژنتیکی در حقوق با چالش‌های حقوق بشری زیادی همراه است و تعامل میان حفظ قواعد کلی حقوق و حقوق بشر با مباحث ژنتیکی با توجه به مبانی اخلاق پزشکی امکان‌پذیر بوده، اما می‌بایست با دقت صورت گیرد. با این وجود، ایجاد تعادل در حقوق ژنتیکی تنها میان دو عنصر آزادی حریم شخصی و چارچوب‌دهی در جهت منافع عمومی نیست، بلکه می‌تواند چنانچه در رأی پاسکو دیدیم، تعادل میان حمایت از حریم شخصی افراد ذی‌نفع گوناگون باشد که در اینجا نیازمند تدقیق و ایجاد تعادل در چارچوب قواعد حقوق بشری است.

نتیجه‌گیری

هرچند تحقیقات ژنتیکی بخشی از جامعه مدرن امروزه به شمار می‌رود و برای پیشبرد اهداف پزشکی بسیار مهم و ضروری است، لکن چارچوب اخلاقی و حقوقی و ضمانت‌اجراهای آن نیز باید رعایت گردد. در این خصوص رویه قضایی اروپایی برگرفته از آرای دیوان اروپایی حقوق

بشر می‌تواند الگوی موفق برای اجرای قواعد اخلاقی با ضمانت اجراهای حقوقی در حوزه تحقیقات و آزمایش‌های ژنتیکی باشد.

به طور کلی می‌توان گفت علم ژنتیک از منظر اصول حقوقی و اخلاقی با دو چالش اساسی رو به رو است. بدین شرح که از طرفی علم حقوق علم انتخاب بهترین روش قانونگذاری در یک جامعه است و بر مبنای آن هیچ قانونی نباید اساسی‌ترین و اصولی‌ترین مبانی حیات معنوی بشر را که همان آزادی اندیشه و عمل در تحقیق و دانش است به خطر بیندازد و فراتر از آن می‌بایست حافظ رشد علمی یک جامعه باشد. این در حالی است که طبق عقاید حقوقی و سنتی جوامع بشری جسم انسان نیز از منزلت بالایی برخوردار بوده و همواره تمامیت جسمانی افراد مورد حمایت سرسختانه قانونگذاران قرار گرفته است که این خود سبب می‌گردد در مواردی که حتی احتمال کمی از تعددی به این تمامیت و یا ایجاد خطر برای آن رود، قانونگذار وارد عمل شده و با وضع ضمانت اجراهای شدید مانع از وقوع این اعمال می‌گردد.

با این حال ذکر این مسأله نیز اهمیت دارد که هرچند اخلاق جهان‌شمول و برای همه افراد بشر است، هر کشوری با توجه به عناصر فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، تاریخی و... آن را تعریف کرده و دامنه آن را مشخص می‌کند. در این راستا اخلاق پزشکی ایرانی، با توجه به دین مبین اسلام و مذهب تشیع، باید الگوی بومی برای تحقیقات ژنتیکی انتخاب نمود و در این خصوص بدون توجه به پیروی از دیگر کشورهای پیشرو در زمینه قانونگذاری ژنتیک و با توجه به اندیشه‌های علما و نیازهای کشور به قانونگذاری در این زمینه پرداخت.

References

1. Jafari A. Criminal business law. 1st ed. Tehran: Shahre Danesh Publication; 2013. p.49. [Persian]
2. Bellivier F, Brunet L, Hermitte M, Labrusse-Riou C, Noiville C. Les limitations légales de la recherche génétique et de la commercialisation de ses résultats: le droit français. *Revue internationale de droit comparé* 2006; 58(2): 277.
3. Rouhi A. The right of health in ethics, fiqh and medical law. *Journal of medical law* 2010; 2&3(5&6): 52. [Persian]
4. Siffrein-blanc C. Le refus d'établir la véritable filiation d'un homme est contraire à la Convention européenne des droits de l'homme. Paris: Dalloz Actualité; 2011. p.221.
5. Ossareh T. Would you like blue eyes with that? A fundamental right to genetic modification of embryos. *Coloumbia Law Review* 2017; 117(3): 52.
6. Abasi M. Collonisation in fiqh and law view. Tehran: Collonisation conference; 2011. [Persian]
7. Caulfield T. Génétique, la déontologie et le droit. Montréal: L'Encyclopédie Canadienne; 2012. Last visited on November 4, 2016. Available at: <http://www.encyclopediecanadienne.ca/fr/article/genetique-la-deontologie-et-le-droit-la/>.
8. Jafari A. Op.cit. Tehran: Shahre Danesh Publication; p.247. [Persian]
9. Jafari A. Op.cit. Tehran: Shahre Danesh Publication. p.220. [Persian]
10. Matsopoulou H. Modalités de la preuve et transformations dans le recueil et l'administration de la preuve. Paris: Archives de politique criminelle; 2004. p.142.
11. Ashouri M. European criminal law. Tehran: Samt Publication; 2007.
12. Vial G. Expertise génétique post mortem et vie privée. *Revue Des Droits Et Libertés Fondamentaux*. 2011. p.154-157. Last visited on October 1, 2016. Available at: <http://revuedlf.com>.
13. Letteron R. Le droit au diagnostic génétique devant la Cour européenne. Paris: Contrepoint; 2012. p.237.